شنبه 29/3/1400-8ذیقعده الحرام 1442 -19ژوئن 2021-درس 385و386فقه الاداره – فقه النظاره – پایان بحث نظارت بر برنامه و آغاز بحث نظارت بر اعمال

مساله : حکم نظارت بر عملکرد ها

بیان مساله : البته نظارت بر برنامه هنوز تمام نشده است و میتواند تداوم داشته باشد و نظارت بر اعمال را موکول به محور دوم نماییم بعد از بحث توانمند سازی یا اینکه چون بحث انتخاب و نصب انجام شده است سومین بحث از محور سوم تحت عنوان ارزیابی را میتوان شروع کرد و عملا بحث نظارت بر برنامه را مختومه اعلام کرد که پاپ شود یا اینکه مساله مساله مباحث نظارت بر برنامه را تداوم دهیم

مساله : حکم تغییر اهداف برنامه در اثر نظارت موثر

بیان مساله : اگر برنامه را تعیین هدف و تعیین راه حل برای وصول به هدف تعریف نماییم به نظر میرسد سوال این است که نظارت موثر و استصوابی میتواند بهه تغییر اهداف بینجامد یا اقتصار بر تغییر روش ها و راه حل ها میکند؟ ماهیت این مساله این است که مقاصد و اهداف باید دارای ظابطه شرعی باشند و فردی از افراد اهداف اسلامی باشند یا اینکه در همان راستا باشند و باآن ها معارضه ننمایند و البته ما بحث اعداف نظارت را بحث کرده ایم و اهداف برنامه را هم در سال دوسال گذشته به بحث گذاشته ایم و لی اکنون بحث تغییر اهداف است که اگر ناظر محترم و حسبه صلاح دید باید که تغییر دهد این تغییر باید مطلوب باشد و البته اهداف شرع تغییر نمیکند اهداف برنامه تغییر میکند تا همسو با اهداف شرع باشد سوال این است که پگونه میتوان ناهمسویی اهدف برنامه را با اهداف شرع تشخیص داد؟ و پگمه میوتدان تغییر داد زیرا تغییر اهداف مساوی است با تغیر اصل برنامه زیرا روش ها هم تابع برنامه ها هستند . هرچند اصول موصل به اهداف ناشی از مبانی اند و با مبانی هماهنگ هستند و سپس تامین اهداف میکنند . لذا سوالات زیر مطرح است :

1. اهداف برنامه چه نسبتی با اهداف شرع دارند ؟
2. اهداف برنامه چه نسبتی با مبانی دینی دارند ؟
3. اهداف برنامه چه نسبتی با اصول راهبردی دارند؟
4. مناط اصلی تشخیص صحت و سقم اهداف برنامه چیست؟
5. روش اصلاح اهداف ناصحیح چیست؟
6. روش جایگزینی اهداف صحیح به جای اهداف غیر تام چیست ؟
7. ..........
8. اهداف برنامه چه نسبتی با اهداف شرع دارند ؟

در پاسخ باید گفت که اصولا هدف اعلی که برای افق اعلی توسط شارع مقدس منظور میشود واجب الوصول و الحصول است که حیات طیبه و مدینه طیبه را قبلا به عنوان این اهداف در نظر گرفتیم (در برنامه های دنیوی ) لذا هر هدفی در هر برنامه ای متناسب با این هدف است یعنی باید طیب باشد نه خبیث یعنی پاک و نیک باشد . قاعده وحیانی میگوید " الطیبات للطیبین و الطیبون للطیبات"[[1]](#footnote-1) که شامل اهداف هم میشود که چون هدف اعلی طیب است قطعا پس واجب است هدف های میانی و پایینی و خرد و.. نیز طیب باشند لذا باید طیب و خبیث مفهوم شناسی شوند [[2]](#footnote-2)

1. ***النور : 26 الْخَبيثاتُ لِلْخَبيثينَ وَ الْخَبيثُونَ لِلْخَبيثاتِ وَ الطَّيِّباتُ لِلطَّيِّبينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّباتِ أُولئِكَ مُبَرَّؤُنَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَريمٌ***

   **تفسير نمونه    ج‏14    422**-" خبيثات" و" خبيثون" كيانند؟

   در اينكه منظور از" خبيثات" و" خبيثين" و همچنين" طيبات" و" طيبين" در آيه مورد بحث كيست؟ مفسران بيانات مختلفى دارند:

   1- گاه گفته شده منظور سخنان ناپاك و تهمت و افترا و دروغ است كه تعلق به افراد آلوده دارد و به عكس سخنان پاك از آن مردان پاك و با تقوا است، و" از كوزه همان برون تراود كه در او است".

   2- گاه گفته مى‏شود" خبيثات" به معنى" سيئات" و مطلق اعمال بد و كارهاى ناپسند است كه برنامه مردان ناپاك است و به عكس" حسنات" تعلق به پاكان دارد.

   3-" خبيثات" و" خبيثون" اشاره به زنان و مردان آلوده دامان است، به عكس" طيبات" و" طيبون" كه به زنان و مردان پاكدامن اشاره مى‏كند و ظاهرا منظور از آيه همين است، زيرا قرائنى در دست است كه معنى اخير را تاييد مى‏كند:

   الف- اين آيات به دنبال آيات افك و همچنين آيه‏ الزَّانِي لا يَنْكِحُ إِلَّا زانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَ الزَّانِيَةُ لا يَنْكِحُها إِلَّا زانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَ حُرِّمَ ذلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ‏ آمده و اين تفسير هماهنگ با مفهوم آن آيات است.

   ب- جمله‏ أُولئِكَ مُبَرَّؤُنَ مِمَّا يَقُولُونَ:" آنها (زنان و مردان پاكدامن) از نسبتهاى ناروايى كه به آنان داده مى‏شود منزه و پاكند" قرينه ديگرى بر اين تفسير مى‏باشد.

   ج- اصولا قرينه مقابله خود نشانه اين است كه منظور از خبيثات جمع مؤنث حقيقى است و اشاره به زنان ناپاك است در مقابل" خبيثون" كه جمع مذكر حقيقى است.

   د- از همه اينها گذشته در حديثى از امام باقر ع و امام صادق ع نقل شده كه" اين آيه همانند" الزَّانِي لا يَنْكِحُ إِلَّا زانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً" مى‏باشد، زيرا گروهى بودند كه تصميم گرفتند با زنان آلوده ازدواج كنند، خداوند آنها را از اين كار نهى كرد، و اين عمل را ناپسند شمرد" ه- در روايات كتاب نكاح نيز مى‏خوانيم كه ياران امامان، گاه سؤال از ازدواج با زنان" خبيثة" مى‏كردند كه با جواب منفى روبرو مى‏شدند، اين خود نشان مى‏دهد كه" خبيثة" اشاره به زنان ناپاك است نه" سخنان" و نه" اعمال" ناپاك‏.

   سؤال ديگر اينكه آيا منظور از خبيث بودن اين دسته از مردان و زنان يا طيب بودن آنها همان جنبه‏هاى عفت و ناموسى است، يا هر گونه ناپاكى فكرى و عملى و زبانى را شامل مى‏شود.

   اگر سياق آيات و رواياتى را كه در تفسير آن آمده در نظر بگيريم محدود بودن مفهوم آيه به معنى اول صحيحتر به نظر مى‏رسد، در حالى كه از بعضى از روايات استفاده مى‏شود كه خبيث و طيب در اينجا معنى وسيعى دارد و مفهوم آن منحصر به آلودگى و پاكى جنسى نيست روى اين نظر بعيد به نظر نمى‏رسد كه مفهوم نخستين آيه همان معنى خاص باشد ولى از نظر ملاك و فلسفه و علت قابل تعميم و گسترش است.و به تعبير ديگر آيه فوق در واقع بيان گرايش سنخيت است هر چند با توجه به موضوع بحث سنخيت در پاكى و آلودگى جنسى را مى‏گويد (دقت كنيد).

   \*\*\* 2- آيا اين يك حكم تكوينى است يا تشريعى-

   بدون شك قانون" نوريان مر نوريان را طالبند" و" ناريان مر ناريان را جاذبند" و ضرب المثل معروف" كند همجنس با همجنس پرواز" و همچنين ضرب المثلى كه در عربى معروف است:" السنخية علة الانضمام" همه اشاره به يك سنت تكوينى است كه" ذره ذره موجوداتى را كه در ارض و سما است در بر مى‏گيرد كه جنس خود را همچو كاه و كهرباء جذب مى‏كنند".

   به هر حال همه جا همنوعان سراغ همنوعان مى‏روند و هر گروه و هر دسته‏اى با هم‏سنخان خود گرم و صميمى‏اند.

   اما اين واقعيت مانع از آن نخواهد بود كه آيه بالا همانند آيه" الزَّانِيَةُ لا يَنْكِحُها إِلَّا زانٍ أَوْ مُشْرِكٌ‏" اشاره به يك حكم شرعى باشد كه ازدواج با زنان آلوده حد اقل در مواردى كه مشهور و معروف به عمل منافى عفتند ممنوع است.

   مگر همه احكام تشريعى ريشه تكوينى ندارد؟ مگر سنتهاى الهى در تشريع و تكوين هماهنگ نيستند؟ (براى توضيح بيشتر به شرحى كه ذيل آيه مزبور ذكر كرديم مراجعه فرمائيد).

   \*\*\* 3- پاسخ به يك سؤال‏

   در اينجا سؤالى مطرح است و آن اينكه در طول تاريخ يا در محيط زندگى خود گاه مواردى را مى‏بينيم كه با اين قانون هماهنگ نيست، به عنوان مثال در خود قرآن آمده است كه همسر نوح و همسر لوط زنان بدى بودند و به آنها خيانت كردند (سوره تحريم آيه 10) و در مقابل، همسر فرعون از زنان با ايمان‏

   و پاكدامنى بود كه گرفتار چنگال آن طاغوت بى ايمان گشته بود (سوره تحريم آيه 11).

   در مورد پيشوايان بزرگ اسلام نيز كم و بيش نمونه‏هايى از اين قبيل ديده شده است كه تاريخ اسلام گواه آن مى‏باشد.

   در پاسخ علاوه بر اينكه هر قانون كلى استثناهايى دارد بايد به دو نكته توجه داشت:

   1- در تفسير آيه گفتيم كه منظور اصلى از" خباثت" همان آلودگى به اعمال منافى عفت است و" طيب" بودن نقطه مقابل آن مى‏باشد، به اين ترتيب پاسخ سؤال روشن مى‏شود، زيرا هيچيك از همسران پيامبران و امامان به طور قطع انحراف و آلودگى جنسى نداشتند، و منظور از خيانت در داستان نوح و لوط جاسوسى كردن به نفع كفار است نه خيانت ناموسى.

   اصولا اين عيب از عيوب تنفر آميز محسوب مى‏شود و مى‏دانيم محيط زندگى شخصى پيامبران بايد از اوصافى كه موجب نفرت مردم است پاك باشد تا هدف نبوت كه جذب مردم به آئين خدا است عقيم نماند.

   2- از اين گذشته همسران پيامبران و امامان در آغاز كار حتى كافر و بى ايمان هم نبودند و گاه بعد از نبوت به گمراهى كشيده مى‏شدند كه مسلما آنها نيز روابط خود را مانند سابق با آنها ادامه نمى‏دادند، همانگونه كه همسر فرعون در آغاز كه با فرعون ازدواج كرد به موسى ايمان نياورده بود، اصولا موسى هنوز متولد نشده بود، بعدا كه موسى مبعوث شد ايمان آورد و چاره‏اى جز ادامه زندگى توام با مبارزه نداشت مبارزه‏اى كه سرانجامش شهادت اين زن با ايمان بود.

   \*\*\*

   ***آل‏عمران : 179 ما كانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنينَ عَلى‏ ما أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَميزَ الْخَبيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَ ما كانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَ لكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبي‏ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشاءُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ إِنْ تُؤْمِنُوا وَ تَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظيمٌ***

   ***الأنفال : 37 لِيَميزَ اللَّهُ الْخَبيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَ يَجْعَلَ الْخَبيثَ بَعْضَهُ عَلى‏ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَميعاً فَيَجْعَلَهُ في‏ جَهَنَّمَ أُولئِكَ هُمُ الْخاسِرُونَ***

   ***الحج : 24 وَ هُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَ هُدُوا إِلى‏ صِراطِ الْحَميدِ***

   ***المائدة : 100 قُلْ لا يَسْتَوِي الْخَبيثُ وَ الطَّيِّبُ وَ لَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يا أُولِي الْأَلْبابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ***

   ***الأعراف : 58 وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَباتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذي خَبُثَ لا يَخْرُجُ إِلاَّ نَكِداً كَذلِكَ نُصَرِّفُ الْآياتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ***

   ***فاطر : 10 مَنْ كانَ يُريدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَميعاً إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَ الَّذينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئاتِ لَهُمْ عَذابٌ شَديدٌ وَ مَكْرُ أُولئِكَ هُوَ يَبُورُ***

   ***الأعراف : 32 قُلْ مَنْ حَرَّمَ زينَةَ اللَّهِ الَّتي‏ أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَ الطَّيِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذينَ آمَنُوا فِي الْحَياةِ الدُّنْيا خالِصَةً يَوْمَ الْقِيامَةِ كَذلِكَ نُفَصِّلُ الْآياتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ***

   ***الأعراف : 157 الَّذينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذي يَجِدُونَهُ مَكْتُوباً عِنْدَهُمْ فِي التَّوْراةِ وَ الْإِنْجيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّباتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلالَ الَّتي‏ كانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ***

   ***الأنفال : 26 وَ اذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَليلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآواكُمْ وَ أَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ***

   ***يونس : 93 وَ لَقَدْ بَوَّأْنا بَني‏ إِسْرائيلَ مُبَوَّأَ صِدْقٍ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضي‏ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ فيما كانُوا فيهِ يَخْتَلِفُونَ***

   ***النحل : 72 وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْواجِكُمْ بَنينَ وَ حَفَدَةً وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ أَ فَبِالْباطِلِ يُؤْمِنُونَ وَ بِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ***

   ***الإسراء : 70 وَ لَقَدْ كَرَّمْنا بَني‏ آدَمَ وَ حَمَلْناهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ وَ فَضَّلْناهُمْ عَلى‏ كَثيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنا تَفْضيلاً***

   ***المؤمنون : 51 يا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّباتِ وَ اعْمَلُوا صالِحاً إِنِّي بِما تَعْمَلُونَ عَليمٌ***

   ***غافر : 64 اللَّهُ الَّذي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَراراً وَ السَّماءَ بِناءً وَ صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ ذلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمينَ***

   ***الجاثية : 16 وَ لَقَدْ آتَيْنا بَني‏ إِسْرائيلَ الْكِتابَ وَ الْحُكْمَ وَ النُّبُوَّةَ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ وَ فَضَّلْناهُمْ عَلَى الْعالَمينَ***

   ***المائدة : 4 يَسْئَلُونَكَ ما ذا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّباتُ وَ ما عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوارِحِ مُكَلِّبينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَ اذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَريعُ الْحِسابِ***

   ***المائدة : 5 الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّباتُ وَ طَعامُ الَّذينَ أُوتُوا الْكِتابَ حِلٌّ لَكُمْ وَ طَعامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَ الْمُحْصَناتُ مِنَ الْمُؤْمِناتِ وَ الْمُحْصَناتُ مِنَ الَّذينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنينَ غَيْرَ مُسافِحينَ وَ لا مُتَّخِذي أَخْدانٍ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِالْإيمانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخاسِرينَ***  [↑](#footnote-ref-1)
2. [↑](#footnote-ref-2)